

جبر و اختیار؟



در خصوص جبر و اختیار تا به حال تمامی بحث های که شده کلا 4 نگرش بیشتر نیست یک عده فقط به جبر اعتقاد دارند و معتقد هستند که انسان هیچ اختیار و آزادی ندارد و سرنوشت اش از قبل نوشته شده و فعالیت های فرد در راستای اهداف از پیش تعیین شده است. دو تعدادی از فلاسفه معتقد هستند که انسان مطلقا آزاد هست و از ازل تا ابد همه چیز به اراده آزاد انسان بستگی دارد و

غیر از عمل خود انسان هیچ نیروی در سرنوشت انسانی تاثیر ندارد. سوم. یک عده میگویند نه جبر حاکم هست نه اختیار زندگی متشکل از یک سلسله تصادف ها و اتفاقات روزمره هست که از یکسری عمل و عکس العمل و واکنش ها شکل گرفته است. چهارم. عده دیگری هم معتقد هستند هم جبر حاکم هست هم اختیار یعنی انسان در راستای جبر حاکم بر سرنوشتش رها شده هر کاری خواست انجام بدهد ولی نهایتا هر کار انجام دهد در واقع همان کار قبلا در سرنوشت او بوده است. همه این چهار نظریه طرفداران علمی قوی هم دارند.

بنده هم در مورد جبر و اختیار یک نظر مخصوص خودم را دارم. که در راستای اعتقاداتم به آن رسیده ام از آنجای که معتقد هستم هر کاری انجام دهیم در قانون طبیعت باید تاوان آن را از جان و روح و روان خود پس خواهیم داد جبر و اختیار هم در همین راستا تعریف میشود یعنی به این شکل که؛ انسان آزاد آفریده شده و اختیار دارد هر کاری دلش خواست انجام بدهد و تا زمانی که دست به اقدامی نزده است اختیار دارد و حق انتخاب دارد میتواند گزینه های مختلفی را در انجام یک کار به اختیار گزینش کرده و عمل کند ولی همین که دست به اقدام زد دیگر اختیار آن از دستش خارج خواهد شد و جبر شروع و حاکم میشود. به عبارتی اقدام آزادانه ما در قانون طبیعت منجر به یک نتیجه جبری که خارج از توان تغییر ماست خواهد شد. مثال، ما آزاد هستیم دزدی کنیم ولی وقتی دزدی با اختیار و انتخاب اتفاق افتاد (خارج از آن بحث اجتماعی که اگر قانون متوجه بشود ما را جریمه خواهد کرد) در قانون طبیعت تاوان آن دزدی و کار خلاف خود را پس خواهیم داد اینجا دیگر قانون طبیعت مطلق است نمیتوانیم تاوان خلاف خود را عوض کنیم به هر شکل باید تاوان آن عمل را از جان و مال خود پس بدهیم. این جبر در مورد همه کارها حاکم و خارج از اراده ما است. مثلا وقتی حق الناس پایمال میشود اختیار داشتیم که این کار را نکنیم اگر مرتکب شدیم و آزادانه و با اختیار انتخاب کردیم و حقوق دیگران را پایمال کردیم و حقوق اولیه کسی را زیر پا گذاشتیم یا حق کسی تجاوز کردیم دیگر نمیتوانیم کاری

بکنیم در مقابل جبر طبیعت قرار خواهیم گرفت و جالب اینکه جبر طبیعت هرگز نمیتواند چیزی را ببخشد و چشم پوشی کند یا نتیجه را عوض کند چون این نتیجه غیر قابل تغییر است و امکان تغییر قوانین طبیعت وجود ندارد چرا که اگر این قوانین تغییر میکرد کل کائنات به هم میریخت و سنگ روی سنگ بند نمی آمد لذا یک جبر مطلق است. پس باید در تصمیم گیری ها و انتخاب های خودمان خیلی دقیق باشیم اگر کاری کردیم که درست و انسانی نباشد دیگر در تغییر نتیجه نمیتوانیم کاری بکنیم جبر طبیعت بر آن جاری و حاکم است و عینا تاوان آن را خودمان پس خواهیم داد.

پس خلاصه نظر اینجانب در خصوص جبر و اختیار عبارت است از اینکه؛ انسان آزاد و با اختیار کامل آفریده شده تا سرنوشت خود را تعیین کند و آزاد هست هر کاری خواست چه درست و غلط انجام دهد ولی همین که کاری را انجام داد اینجا دیگر تعیین نتیجه و جلوگیری از تاثیر عملکردش در آینده از او سلب میشود و از اینجا به بعد اختیاری ندارد و جبر شروع میشود و جبر مطلق طبیعت حاکم است. پس در عملکردها و انتخاب های خود خیلی باید دقت کنیم. چرا که در قبال هر انتخاب و هر اقدام خود مسئول هستیم و جبر تاریخی طبیعت تاوان آن را عینا به خود شخص ما تحمیل خواهد کرد.

پس بنده در واقع به جای آن چهار نظریه قبلی جبر و اختیار را مرحله بندی کرده ام البته این مرحله بندی یک چیز درونی و باطنی است و نیاز به نگاه عمیق فلسفی به زندگی را میطلبد .

((دکتر عبداللہی))